

نقش امامزادگان در گسترش مذهب

شیعه در ایران

دکتر صمد مؤمن بالله* / داوود احمدزاده**

چکیده

از زمان خلافت امیرمؤمنان علی(ع) که ایران پایگاه تشیع شده بود شیعیان، این دیار را مأمونی برای قیام علیه حاکمان غاصب یافتند و شهرهایی نظیر قم، کاشان، خراسان، شیراز و مازندران به صورت قانونی برای فراگیری و نشر آموزه های فقه شیعی تبدیل شد. در واقع فرزندان و نوادگان خاندان پاک و نورانی ائمه معصومین(ع)، وجود پربرکت خود را فدای تحقق ارزشهای الهی و بشری کردند و در این مسیر بیشترین مشقت ها و محدودیت ها را از ناحیه دشمنان اسلام (امویان و عباسیان) تحمل کرده، نهایتاً در دفاع از اسلام شهادت را به عنوان پیام حقیقت و نور هدایت بشریت برگزیدند.

بی تردید مطالعه دلایل خروج امامزادگان از موطن اصلی و هجرت به مناطق مختلف ایران از یک سوبه باز شدن حقایق و ناگفته های تاریخ سنتی مسلمانان به ویژه شیعیان می انجامد. از دیگر سو، نقش امامزادگان در کنار رسالت تاریخی و دینی ائمه معصوم، در گسترش مذهب شیعه در ایران زمین بی بدیل بوده است.

مقاله پیش رو با توجه به برخی مؤلفه ها و عوامل اثرگذار بر تاریخ اجتماعی ایران به بررسی قیام امامزادگان بر علیه حکومت های جور و ستم زمانه خود می پردازد و با ذکر شواهدی به

* عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت و معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی.

** پژوهشگر پژوهشکده مطالعات میان فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی.

رسالت تاریخی سادات در حفظ و گسترش فرایند فکری مذهب شیعه اشاره دارد.
کلید واژه‌ها: شیعه، امامزادگان، عدالت خواهی، شهادت

مقدمه

پیش از پرداختن به موضوع اصلی ضرورت دارد سیر پیدایش شیعه در ایران مرور شود. بر این اساس برای پی بردن به اصالت و حقیقت هر چیز، باید به زمان و علل ظهور آن توجه کرد که شناخت حقیقت تشیع نیز از این قاعده مستثنا نیست.

برخی از نویسندگان متعصب و ناآگاه بدون توجه به این نکته، کوشیده‌اند تشیع را مانند سایر فرقه‌ها، گروه‌های نوظهور یا حزب سیاسی قلمداد کنند که در اثر تحولات و دگرگونی‌های تاریخی، سیاسی و یا اجتماعی پدید آمده است.

از این رو دیدگاه‌ها و نظریات گوناگونی درباره منشأ و تاریخ پیدایی تشیع ابراز کرده‌اند که این اختلافات بهترین دلیل بر ابطال دیدگاه‌های مغرضان و ناآگاهان و اثبات شیعه است که دوران منشأ پیدایی شیعه را به عصر نبوت باز می‌گرداند. گروهی از صحابه در زمان پیامبر اکرم (ص) با شنیدن آیات و روایات در امر ولایت و خلافت حضرت علی (ع)، به آن حضرت اعتقاد پیدا کردند و امامت حضرت علی (ع) پس از پیامبر (ص) را پذیرفتند و از ارادتمندان و مریدان آن حضرت شدند. این گروه از همان دوران به شیعه علی معروف شدند. ابو حاتم رازی می‌گوید: واژه و کلمه شیعه در عهد رسول خدا (ص) بروز کرد. این کلمه، لقب چهار نفر از صحابه، یعنی ابوذر، سلمان، مقداد و عمار بوده است. بر اساس یافته‌ها و ادله قطعی، تشیع در عصر رسول خدا (ص) هستی پذیرفته و بذر آن به وسیله خود پیامبر (ص) افشانده شده است و گروهی در زمان پیامبر (ص) و پس از رحلت وی به نام شیعه علی شناخته می‌شوند و همگی این گروه، از تبار عرب عدنانی یا قحطانی بودند.

این در حالی است که برخی از مستشرقان، غافل از ریشه‌های تشیع آن را زاییده فکر ایرانیان می‌دانند و می‌گویند: در جامعه ایرانی شاهان سلطنت می‌کردند و سلطنت آنان موروثی بود، ایرانیان نیز پس از ورود اسلام، اصل خود را درباره اسلام پیدا کرده، علی و فرزندان او را وارث پیامبر دانستند. بر این اساس، هراممی وارث امام پیشین بوده و از این طریق اصل وراثت حکومت را محفوظ نگاه داشتند.
این اندیشه به قدری نارسا و بی‌پایه است که نباید آن را چیزی فراتر از فرضیه دانست

چرا که در امت‌های گذشته هم نبوت که بالاترین مقام دینی است به ظاهر موروثی بود. آنگاه که ابراهیم به مقام امامت رسید، از خدا خواست امامت را در ذریه او قرار دهد. خدا نیز با درخواست او موافقت کرد اما مشروط بر این که در میان فرزندان صالح و عادل او قرار گیرد (سبحانی، آیا تشیع مکتب ایرانی است؟، Abna.ir)

ولی درباره گرویدن ایرانیان به مذهب شیعه باید پذیرفت که استقرار آن نه امر دفعی بلکه به صورت تدریجی صورت گرفته است و نباید به دنبال تاریخ خاص و معین بود. به نظر می‌رسد از زمانی که اولین ایرانی به تشیع گرایش یافت تا زمانی که تشیع در ایران فراگیر شد و اکثریت ایرانیان را شیعیان تشکیل دادند، حدود ۱۰ قرن به طول انجامیده است.

در امر گسترش مذهب تشیع در ایران به اجمال مروری بر تاریخ داشته باشیم:

۱- نخست آن که «جناب سلمان» صحابه باوفای پیامبر و اهل بیت فرد ایرانی و شیعی بود. در یمن نیز ایرانیانی وجود داشتند که متمایل به اهل بیت بودند، یمن توسط حضرت علی(ع) و در زمان حیات رسول اکرم(ص) به اسلام ایمان آورد و اهل یمن از همان زمان با حضرت علی(ع) آشنا بودند، در حالی که ساحل خلیج فارس تا یمن تحت نفوذ ایران بود.

۲- خلیفه دوم، تبعیض‌هایی بین عرب و عجم قائل شد که موجب آزردهی خاطر ایرانیان گردید. پس از کشته شدن خلیفه دوم به دست یک ایرانی، فرزند خلیفه دوم چند تن از ایرانیان مدینه را به قتل رساند. اما وقتی حضرت علی(ع) به حکومت رسید اعلام کرد بین عرب و عجم تفاوتی نیست و عرب هیچ گونه فضلی بر عجم ندارد و این سبب شد تا ایرانیان به حضرت علی(ع) گرایش پیدا کنند.

۳- پس از شهادت حسین بن علی(ع) ایرانیان متوجه شدند از اسلام دو قرائت وجود دارد. اسلام یزیدی و اسلام حسینی، بنی امیه با آن سابقه ظلم‌ها و اعمال تبعیض‌ها، نمی‌توانست در قلوب ایرانیان جایی داشته باشد و به صورت طبیعی ایرانیان به سوی امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) گرایش پیدا کردند و بعدها در سقوط بنی امیه بیش‌ترین تلاش‌ها را نمودند. زیرا بنی عباس با شعار حمایت از آل محمد(ص) قیام کردند. اما بعدها معلوم شد که این جریان نیز با اهل بیت فاصله دارد.

۴- در طول تاریخ، برخی از شاگردان امام جعفر صادق و سایر ائمه(ع)، در ایران حضور یافتند و به طور گسترده مکتب اهل بیت(ع) را تبلیغ کردند و ایرانیان را به مذهب

آنان دعوت می‌کردند.

۵- حضور حضرت امام رضا(ع) در خراسان عامل دیگری است. یکی از دلایلی که مأمون می‌خواست امام رضا(ع) را ولیعهد کند مقابله با عرب‌هایی بود که از برادرش امین حمایت می‌کردند. تحلیل وی این بود که با ولایتعهدی امام رضا(ع) هم ایرانیان شیعی را به سوی خود جذب خواهد کرد و هم شیعیان عرب را. این باعث تقویت قدرت وی و ضعف امین خواهد شد.

۶- بسیاری از امامزادگان از ظلم منصور دوانیقی و دیگر خلفای ستمگر به ایران آمدند و پراکندگی آنان در سراسر ایران عامل دیگری در گسترش تشیع در ایران بود. همان‌طور که حضور حضرت معصومه(س) در قم، حضرت شاهچراغ در شیراز و حضرت عبدالعظیم در ری از دلایل مهم روی آوری ایران به تشیع است.

۷- در عصر سلاطین شیعه آل بویه، موجبات تبلیغ اهل بیت(ع) بیش از پیش فراهم شد و کتب مهم شیعی مثل تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه در این زمان تألیف شد.

۸- در دوره ایلخانان، حضور علامه حلی به مدت ۱۰ سال در ایران و آزادی وی در بیان احکام و مهارت‌ها و در فقه و کلام و نیز تلاش‌های خواجه نصیرالدین طوسی عامل دیگری در این زمینه است.

۹- حلقه آخرین جریان تأسیس دولت صفویه و اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی و حضور و دعوت از علمای شیعه از سراسر جهان اسلام است. این همه سبب شد تا بالأخره در عصر صفویه پس از طی ۱۰ قرن، اسلام شیعی در ایران گسترش یابد و به صورت یک مکتب و مذهب فراگیر در این کشور حکومت کند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۱۳).

لذا مشاهده می‌شود که گرایش ایرانیان به مذهب شیعه در پروسه زمانی مشخصی انجام گرفته است. همان‌طور که اشاره شد یکی از دلایل عمده نفوذ تشیع در ایران، ورود سادات علوی به منطقه است. این افراد عمدتاً شیعه بوده‌اند گرچه گاهی در میان آن‌ها افرادی که حتی ناصبی بوده‌اند پیدا می‌شده است. البته شیعیان آن‌ها نیز همگی اثنی عشری نبوده، بلکه بسیاری از آن‌ها شیعه زیدی بوده‌اند. معمولاً کسانی از آن‌ها که محور قیام‌های ضد عباسی بوده‌اند، شیعه زیدی شمرده می‌شوند. دلیل، این بود که آن‌ها به تقیه اعتقادی نداشتند و قیام به سیف را دلیل تشخیص امامت زید می‌دانستند.

تاریخچه علویان

علویان که شیعیان و پیروان علی (ع) محسوب می‌شوند، از زمان بعد از رحلت پیامبر، جریان سقیفه که ابوبکر به خلافت رسید شروع به فعالیت کرد و به طرفداری از حضرت علی حاضر نشدند با ابوبکر بیعت کنند و خلافت را حق علی (ع) دانستند.

شروع فعالیت علویان در عرصه سیاست هم از هنگام شهادت امام حسین (ع) در کربلا بوده است این‌ها از این تاریخ هر جا فرصتی برای قیام می‌دیدند از آن استفاده می‌کردند و چون اوضاع نامناسب می‌شد موقتاً آرام شدند. این آرامش موقتی بیش‌تر در دوران امویان بود که به جز قیام زید بن علی و فرزندش یحیی در دوران هشام بن عبدالملک هیچ قیام مهم دیگری توسط علویان صورت نپذیرفت (ابراهیم حسن، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

زمانی که عباسیان استقرار یافتند، دشمنی علویان با آن‌ها شروع شد چرا که علویان و عباسیان از خاندان هاشم بودند که بر ضد امویان با همدیگر همکاری داشتند اما زمانی که عباسیان به قدرت رسیدند دشمنی علویان با عباسیان آغاز شد. چرا که هریک خلافت را حق خویش می‌دانست و نخستین کسی که از علویان بر علیه عباسیان قیام را شروع کرد محمد بن نفس زکیه بود که در مدینه قیام را آغاز کرد ولی شکست خورد. دو برادرش هم در بصره به قتل رسیدند. از اینجا عباسیان در تعقیب و کشتار علویان همت گماشتند ولی کوشش آن‌ها چندان سودمند نبود چرا که در زمان هارون الرشید ادریس بن عبدالله توانست در آفریقا تشکیل حکومتی به نام ادریسیان دهد و یحیی بن عبدالله در گرگان و طبرستان به فعالیت تبلیغی بر علیه خلیفه پرداخت و اینها امنیت دولت عباسی را به خطر انداختند و به ناچار هارون راهی ایران شد.

به دلیل مظلومیتی که علویان در طول دوره اموی و عباسی داشتند، نفوذ آن‌ها در میان مردم بیش‌تر شد و افزون بر آنکه آن‌ها را اهل بیت پیامبر (ع) می‌دانستند همین دلیل مردم که این همه ظلم و ستم را در حق آن‌ها می‌دیدند به آنان متمایل شدند. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۹۰)

بدین‌سان علویان در جست‌وجوی پناهگاه، مناسب‌ترین منطقه را ایران و بیش‌تر مناطق هموار جنوب و رشته کوه البرز مثل قزوین، ری، قم، ساوه و آوه تشخیص دادند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

این مهاجرت اولاد ابوطالب در پی شکست قیام‌های متعدد علویان در کوفه، مدینه و

مکه (مثل ابوالسرایا، ابن طباطبا، زید النار، ابراهیم بن موسی، سلیمان بن داوود در ۱۹۹ هـ.ق. و قیام ابن افضس، محمد بن جعفر ۲۰۰ هـ.ق.) سرعت گرفت و آنان از عراق رانده شدند (مسعودی، ۱۳۷۰/۲: ۴۳۹).

در زمان هارون الرشید پس از سرکوب خائنان قیام یحیی بن عبدالله، مهاجرت علویان ادامه یافت. وقتی مسئله ولایتعهدی امام رضا(ع) توسط مأمون عباسی مطرح شد شماری از علویان به همراه آن حضرت به خراسان آمدند. (مفید، ۱۳۶۶: ۶۰)

وقتی آوازه این حرکت در جهان اسلام پیچید علویان دیگری از نقاط مختلف به ویژه مدینه عازم خراسان گشتند. حضرت امام رضا(ع) بیست و یک برادر داشتند که همه آنان همراه پسرعموهای خود، که همگی از سادات حسنی و حسینی بودند به سوی خراسان حرکت کردند. اینان در حوالی ری بودند که بر خبر شهادت امام رضا(ع) وقوف یافتند و مورد تهدید و تعقیب مأمون قرار گرفتند. لذا برخی در همین نواحی به شهادت رسیدند و بقیه به سوی طبرستان پناه بردند (کریمیان، ۱۳۶۱: ۹۵).

از سوی دیگر گروه‌های جدید علویان، همزمان با سفر حضرت معصومه (س) به قم راهی ایران شدند که این خود عامل مهمی در مقاومت مردم قم در برابر مأمون و خلع او از خلافت، پس از قتل عام کاروان آن حضرت شد. در این زمان شخصی به نام یحیی بن عمران ریاست شهر را بر عهده گرفت (قمی، ۱۳۶۱: ۲۰۵).

مهاجرت علویان هنوز ادامه داشت، با رسیدن متوکل به خلافت که برای علویان از سال ۲۳۳ هـ.ق. شرایط بسیار سختی شروع شد مهاجرت آنان به ایران با شتاب بیش‌تری انجام گرفت.

از جمله این‌ها حضرت عبدالعظیم حسنی بود که ابتدا به طبرستان و سپس به ری مهاجرت نمود. در سال ۲۴۹ هـ.ق. پس از کشتار در قیام یحیی بن عمر حسینی در کوفه توسط خلیفه عباسی، شمار بسیاری از ساداتی که در قیام شرکت کردند و جان سالم به در بردند به دنبال یافتن محل امنی به کوه‌های طبرستان پناه جستند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۲۸) و تا پایان عمر خودشان و اولادشان در این منطقه زندگی کردند، وفات نموده و یا شهید شدند و مرقدشان تبدیل به زیارتگاه شده است. از سوی دیگر برای اولین بار علویان توانستند در سال ۲۵۰ هـ.ق. دولت علویان را در طبرستان تشکیل بدهند زیرا مردم طبرستان که از ظلم و ستم والی خلیفه عباسی به تنگ آمده بودند از حسن بن زید که در ری بود دعوت کردند که به طبرستان برود. با رفتن وی شماری از مردم نامسلمان آن

نواحی به دست وی اسلام آوردند و تعهد کردند که از وی حمایت کنند، و او توانست منطقه مازندران و گیلان را به دست آورد و تشکیل دولت علویان را بدهد و این اولین دولتی بود که در بلاد اسلام، بدون تأیید خلفای عباسی تشکیل شده بود. اگرچه این دولت تهدیدی برای خلفای عباسی بود ولی به دلیل آشفتگی‌هایی که خلفای عباسی با آن درگیری داشتند، نمی‌توانستند قدمی برای براندازی این دولت جدید علوی بردارند. لذا تا مدت‌ها علویان توانستند در آرامش به سر ببرند. (ابوالفتح، ۱۳۶۸: ۶۸)

در هر صورت پس از شهادت امام رضا(ع) توسط مأمون بیش‌تر آن‌ها به دیلم و طبرستان پناه بردند و بعضی در آنجا شهید گشتند و مزار و مرقد ایشان مشهور و معروف است. همچنین علویان با توجه به پیشینه کوفه در قیام حسین(ع) و نیز قیام زید، امکان پیروزی در عراق را برای خود نمی‌دیدند. حسوسی بن عبدالله بن حسن درباره عراق می‌گفت: «لا تتركینی العراق فانها بلاد بها اس الخيانه والغدر... مراد در عراق وا مگذارید که پایه و اساس آن بر نیرنگ و خیانت استوار است (جعفریان، ۱۳۸۸: ۲۳۱).

ابن ابی الحدید در کتاب شرح نهج البلاغه (مجلسی، ۱۴۰۴/۴۸: ۱۷۶) خود فرمایشی را از امام محمد باقر(ع) درباره سخت‌گیری‌های خلفای عباسی و عمال‌شان به سادات نقل می‌نماید که بسیار تکان دهنده است. وی می‌نویسد:

«امام محمد باقر(ع) فرمود: شیعیان ما را در هر شهری که به دست می‌آوردند می‌کشتند و دست و پاها را به گمان شیعه بودن قطع می‌کردند و کسی که نامش به دوستی ما آشکار می‌شد زندانی می‌گردید. یا مالش غارت شده و یا خانه او را خراب نمودند. این بلاها روز به روز شدت پیدا کرد و تا زمان عبیدالله بن زیاد که امام حسین(ع) را به شهادت رساند ادامه داشت. پس از آن حجاج آمد، او شیعیان را می‌کشت و به اتهام شیعه بودن، زندانی و شکنجه می‌کرد. آن قدر وضع شیعه و دوستان اهل بیت(ع) خطرناک بود که اگر به کسی می‌گفتند، تو کافر هستی، بیش‌تر دوست می‌داشت تا بگویند شیعه علی هستی.»

آری، خلفای بنی عباسی به نام سلسله جلیله علویین و مبارزات پیروان از جان گذشته آنان اوج گرفته، ولی پس از تثبیت حکام خود به آل علی(ع) بی‌اعتنایی نمودند و قساوت قلب و ظلم خود را آشکار ساختند و در این دوره بود آل علی(ع) و اهل بیت رسول(ص) به حقوق غصب شده خویش نرسیدند و همواره در زجر و حبس و تبعید به سر برده و از ترس جان و ناموس خود به طور ناشناس به سرزمین‌های دور دست و امن فراری

بودند و با پنهان کردن نسبت خود زندگانی را با وحشت و ترس از عمال عباسیان به سر می بردند.

لذا عمده دلایل هجرت این اختران فروزان به ممالک اسلامی مخصوصاً ایران از قرار ذیل است :

الف - مهاجرت سادات حسنی و حسینی به نقاط امن سرزمین های شرقی یعنی ایران، از همان صدر اسلام در حکومت جائزانه امویان و خاصه در عهد حجاج بن یوسف ثقفی و تسلط او بر عراقین (۹۵-۷۵ هـ.ق.) آغاز شده بود و با وجود آمدن دولت غاصب دیگری به نام عباسیان، این مهاجرت به دلیل شدت فشار و سخت گرفتن بر سادات به اوج خود رسید.

ب - هنگامی که امام رضا(ع) به ولایتعهدی رسید، سادات گروه گروه از مدینه و عراق عازم ایران شدند تا زیر سایه آن امام همام با آرامش و بدون هیچ تنگنایی به زندگانی مشغول باشند.

ج - عمال خلیفه، منسوبان و اقوام انقلابیون و امامزادگان خروج کرده را برای دست یافتن به ایشان، قلع و قمع می کردند(ترکمنی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۳۱).

تأثیر و بازتاب حضور امامزادگان در ایران

مهاجرت علویان به ایران از لحاظ سیاسی - اجتماعی و حتی انجام کارهای عمرانی و اتحاد مردم منطقه تأثیر مهمی داشت، زیرا با حضور در میان مردم و حسن معاشرت در رفتار و جلب نظر و افکار عمومی و خلق و خوی علوی، در فاصله زمانی کمی، از پایگاه مادی و معنوی در میان مردم برخوردار می شدند و با کسب اعتماد و اطمینان مردم به تدریج رهبری مردم را در مناطق به دست می گرفتند و با شرکت در مسائل سیاسی - اجتماعی و بهره برداری از نفوذ خود در ایجاد تحولات منطقه ای، نقش مؤثری پیدا می کردند. برای مثال هنگامی که یحیی بن عبدالله از همراهان حسین بن علی پس از شکست قیام و کشته شدن یارانش به ایران مهاجرت کرد، پس از توقف در دیلم و معاشرت با مردم، مردم معتقد شدند که وی استحقاق پیشوایی دارد. سپس با او بیعت کردند و گروهی از مردم شهرها گرد وی جمع شدند و رفته رفته کارش بالا گرفت. مهاجرت سایر علویان به نقاط گوناگون ایران از جمله ری، کاشان، قم، گرگان و طبرستان، همه گویای حضور قوی و تأثیرگذار آن ها در منطقه بوده است. آن ها در امور

سیاسی، اجتماعی یا عمرانی به صورت فعال وارد صحنه می‌شدند. برای مثال، ورود اشعری‌ها در سال ۹ هجری به قم و تلاش و کوشش در عمران و آبادانی این شهر تا زمان حضور حضرت معصومه (س) گویای تأثیر مثبت آن است.

یکی از دلایل قرب و قیام امامزادگان در ایران این بود که مردم این دیار با توجه به سابقه طولانی در فرهنگ و تمدن، به روح اسلام توجه ویژه‌ای داشته‌اند و ارادشان نسبت به خاندان رسالت بسیار پایدار بوده است. به همین دلیل تشیع با فرهنگ ایرانی پیوند خورد، چرا که خاندان پیامبر، مجری عدالت و مساوات بودند. نفوذ شیعه آن چنان قوی بود که شاخص‌های مقدس آن (بقاع متبرکه) حتی از جانب حاکمان اهل سنت نیز محترم شمرده می‌شد. با توجه به علاقه شیعیان به دفن شدن در کنار این مزارها، روز به روز بر اهمیت و توسعه آن‌ها افزوده گشت. به زودی این اماکن متبرکه به عنوان نماد تمایلات سیاسی و مذهبی شیعیان کاربرد یافت. بنابراین هدایای فراوانی به شکل نذورات نقدی، املاک و موقوفات به متولیان این بقاع واگذار شد و افزایش جمعیت نیز منجر به افزایش تعداد زوار این امامزاده‌ها شد. این فزونی تأثیر مستقیمی بر زیارتگاه داشت و نقش عمده‌ای در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا کرد (اشتهدادی محمدی، ۱۳۷۱: ۹۵).

این اماکن مذهبی از دو سو مورد احترام و توجه مردم ایران بوده‌اند:

از یک سو اعتقاد و ایمان به خاندان نبوت و امامت و گرایش آنان به عدالت و فضایل انسانی و از سوی دیگر فضیلت وجود امامزاده‌های مدفون در این بقاع، به عنوان نمادی از اعتقادات مذهبی مردم ایران. اما جدا از آن، ویژگی‌های ساخت و شکل معماری هریک از امامزاده‌ها در نوع خود قابل توجه است.

امامزاده محلی است که فرهنگ عامه در آن پرورش می‌یابد و شکل می‌گیرد. زمینه مساعدی است برای زنده نگه داشتن باورهای عامه مردم که دیرتر از مکان‌های دیگر دستخوش فراموشی و تحول می‌شود. برای بقعه علاوه بر ارزش‌های مذهبی، ارزش فرهنگی نیز باید قائل شد. نگه‌داری و آبادانی به همت اهالی بستگی دارد. چون بسیاری از آمال و آرزوهای خود را در آن می‌جویند. بقاع، پناهگاه بی پناهان و نماد پاکی، زهد و تقوا به حساب می‌آید و از این رو به آن عشق ورزیده برای آن نذر می‌کنند و معجزات و کرامات آن را دهان به دهان باز می‌گویند.

امامزاده‌ها در سراسر ایران، از جمله کانون‌های معنوی اسلام به شمار می‌روند. اغلب این امامزاده‌ها از سادات شیعه علوی بودند که در پی اقتدار خلافت اموی تا پایان خلافت عباسی، در نبرد با دستگاه خلافت، برای برپایی عدالت اهل بیت (ع) به شهادت رسیدند.

امروزه هزاران زن و مرد مسلمان در لحظه‌های بیم و امید و در اوقات فراغت خود به این زیارتگاه‌ها و اماکن متبرکه می‌روند و به امید گره‌گشایی از مشکلات خود یا بستگان به آن‌ها توسل می‌جویند (قمی، ۱۳۹۲: ۷۷).

این مزارهای متبرک در ایران نمودی از آرمان‌های راستین تشیع بود که از اسلام ریشه گرفته بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزش‌های والای مکتب تشیع محسوب می‌گردید. این مکان‌ها افزون بر این که محلی برای زیارت مشتاقان خاندان اهل بیت (ع) بود، مدرسه بزرگی نیز برای زائران تلقی می‌گردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره‌مند گردند و از سویی به مظلومیت و حقانیت آنان پی‌برند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز مؤثر بود. به بیان دیگر، این آرامگاه‌ها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گردید.

در این راستا می‌توان به نقش تاریخی دختران امام موسی کاظم (ع) در ترویج ارزش‌های دینی و گسترش اسلام راستین به ویژه در شهر مقدس قم نیز اشاره نمود. این بزرگواران طبق نقل‌ها فقیه، دانشمند، محدث، پاک دامن، پارسا و پرهیزکار بودند. در میان زنان مدینه، به ترویج مباحث علمی و احادیث نبوی اشتغال داشتند. دختران آن امام همام در دوران حساس و خفقان‌آور عباسی هریک بنا به توانایی و تکلیف خویش، مسئولیت مهمی ایفا کردند. نکته جالب توجه این است که دختران امام موسی کاظم (ع) هریک عالمه‌ای بودند که با نقل روایات مستند و احادیث معتبر درباره فضایل امام علی (ع) و عاشورا و استمرار ولایت و معرفی امام زمان خویش، کوشا بودند.

در میان دختران امام کاظم (ع) حضرت فاطمه معصومه (س) همچون اجداد طاهرینش، با تاسی به حضرت زینب (س) در مقابل تهدیدها و فشارهای حکومت ظالم علیه خاندان اهل بیت (ع) ایستاد و علاوه بر فعالیت‌های علمی و روایی و بیان احادیث شیعه در خصوص غدیر خم و ولایت و امامت، در حرکتی سیاسی - اجتماعی همراه برادران خویش به عرصه مبارزه وارد شد و هجرت را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود و حکومت وقت برگزید (الهامی، ۱۳۷۵: ۹۰).

حضرت معصومه (س) طبق روال هجرت علویان، برای فرار از ظلم و ستم حکومت و نشر و تبلیغ آیین محمدی (ص) و آشکار کردن چهره نفاق دینی عباسیان و مظلومیت خاندان اهل بیت (ع) در طول سفر خویش از مدینه به ساوه با بیان سخنان بیدار کننده خویش، اذهان جامعه را نسبت به اهل بیت (ع) و جایگاه آن‌ها و نقش امامت در جامعه مسلمانان روشن ساخت. حضرت معصومه (س) نیز به همراه برادران خود برای کسب آزادی و بیان مسائل دینی از فرصت استفاده فرمود و با وجود سختی سفر و دوری از وطن و زادگاه خویش و ترک دوستان و یاران سفر خود را آغاز نمود. تاریخ نشان داده است که در طول دوران هجرت حضرت معصومه (س) و شهادت امام رضا (ع) و حضور برادرزادگان او در نقاط گوناگون کشور پهناور اسلامی در سرزمین فارس، مصر، ری، قم و خراسان ضمن اعتراض به حکومت غاصب، وی مردم را همراه خود ساخت و آنان دست به شورش و قیام زدند تا سرانجام هریک به نوعی توسط حکومت به شهادت رسیدند (الهامی، ۱۳۷۵: ۹۰).

از دیگر سو جامعه شیعه و فرهنگ تشیع، گرد امامزاده‌ها شکل گرفت. این همان چیزی است که برخی در بحث جامعه‌شناسی، هنگام مطالعه جامعه شیعی اذعان می‌کنند که جوامع شیعی جوامعی هستند که گرد امامزاده‌هایشان شکل گرفته‌اند و فرهنگ و هویت آن‌ها متأثر از امامزاده‌هاست.

در دورترین روستاهای ایران امامزاده‌هایی وجود دارد که اصلاً دین مردم آن روستاها به آن امامزاده بستگی دارد و اگر این امامزاده‌ها نبودند تاریخ دین‌داری مردم عوض می‌شد. در واقع محور حفظ تشیع همین امامزاده‌ها هستند و فرهنگ شیعی چه در گذشته و چه در حال به وسیله آن‌ها حفظ می‌شود. اگر آدمی در دوره کهنسالی و میان سالی هم باشد چنانچه رگه‌هایی از محبت این امامزاده‌ها در روحش نقش بسته باشد، نمی‌تواند از آن‌ها جدا شود.

از دیگر سو آموزه‌های علویان توانست بذر تشیع را در قلب ایرانیان بکار و سیره عدالت‌گستر علوی، آنان را شیفته مکتب تشیع کند. نقل است روزی گروهی از ایرانیان به حضور امیرمؤمنان علی (ع) آمدند و از اعراب شکایت کردند و گفتند: رسول خدا (ص) هیچ گونه تبعیضی میان عرب و غیرعرب در تقسیم بیت المال یا در ازدواج قائل نبود. بیت‌المال را برابر تقسیم می‌کرد، مسلمانانی چون بلال و صهیب در عهد رسول الله (ص) با زنان عرب ازدواج کردند ولی امروز اعراب میان ما و خودشان تفاوت قائلند. امام علی (ع) با اعراب در این زمینه صحبت کرد. ولی اثر نداشت و آنان فریاد

کردند: ممکن نیست، ممکن نیست. علی(ع) در حالی که از این جریان خشمناک بود میان ایرانیان آمد و گفت: با کمال افسوس این‌ها حاضر نیستند، با شما روش برابری در پیش گیرند و مانند یک مسلمان با حقوق یکسان رفتار کنند. من توصیه می‌کنم که بازرگانی پیشه کنید، خدا به شما برکت خواهد داد(جعفریان، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

اولاد حضرت علی(ع) نیز همین مشی و سلوک وی را در برخورد با مسائل نژادی و قومیت‌ها پیگیری می‌کردند، ظلم‌هایی که خلفای اموی و عباسیان بر علیه مردم غیر عرب انجام می‌دادند، موجب شد علویان مردم دور دست را به قیام و براندازی حکومت ظالمانه بخوانند.

نکته دیگر این که احترام به علویان در ایران پس از حضور مبارک امام رضا(ع) در توس دوچندان شد و اعوان و انصار امام در نشر آثار اسلام و تبدیل خراسان به مرکز شیعه نقش بی‌بدیل ایفا کردند. با حضور امام رضا(ع) در ایران به ویژه پس از ولایتعهدی آن حضرت، حب ولایت امام و ائمه گسترش یافت و سادات و علویان که سال‌ها طعم تلخ حکومت بنی امیه و بنی عباس را چشیده بودند، احساس آرامش نمودند و مورد تجلیل و تکریم قرار گرفتند.

با آمدن امام رضا(ع) به ایران و مهاجرت علویان و سادات و علما، مرکز تجمع و تبلیغات شیعیان اثنی عشری از کوفه و نجف به قم و خراسان سرایت کرد و بدین ترتیب مراکز شیعه از فشار متمادی و لایه لایه قرن‌های ممتد خفقانی نجات یافت و سرانجام توانست پیروزمندانه در سراسر ایران انتشار یابد. (جعفرنژاد، ۱۳۸۱: ۵۰)

در هر صورت، محبوبیت علویان و اهل بیت میان مسلمانان به ویژه ایرانیان از دلایل گسترش تشیع در مناطق مختلف جهان به ویژه ایران است. اهل بیتهی که در ادوار تاریخ با عنوان «علویان» و لقب «شریف» شناخته شده‌اند.

این محبوبیت در درجه نخست برگرفته از اعتنای قرآن به ذوی القربی (۱۴) و آیه تطهیر(۱۵) است و علاوه بر قرآن روایات فراوانی هم در فضایل اهل بیت به خصوص علی(ع) توسط صحابه و تابعین در نقاط مختلف جهان اسلام به خصوص عراق نقل می‌شد و زمینه را برای دوستی بیش تر آنان نسبت به اهل بیت فراهم می‌کرد. (المافی نژاد، بی تا: ۱۲۰).

نکته آخر که باید به آن اشاره نمود این است که از دوران امام صادق(ع) در شهرهای قم، ری، خراسان و مازندران کانون‌های علویان به صورت منسجم در حال شکل گرفتن

بودند. حضور هریک از امامزادگان و سادات در میان شیعیان موجب تقویت و انسجام بیش تر کانون‌ها می‌شد و قدرت بالقوه‌ای برای شروع قیام و خطر برای حکومت عباسیان به شمار می‌آمد. از این رو، حاکمان عباسی با دقت و حساسیت شدید، این مراکز را تحت نظر داشتند و سعی می‌کردند از ایجاد هر عاملی که باعث انسجام و اتحاد آن‌ها شود، ممانعت کنند. از سوی دیگر، علویان و خاندان اهل بیت (ع) از وجود چنین مراکزی آگاهی داشتند و هنگام هجرت بهترین مکان‌ها و امن‌ترین پایگاه را شهرهای یاد شده می‌دانستند که محبت اهل بیت (ع) در میان آن‌ها واقعی بود.

نتیجه

درباره گرایش ایرانیان به تشیع، دیدگاه برخی از نظریه پردازان نادرست است و شاید ناشی از عدم جامع نگری به مسئله باشد، خاستگاه دیگری از نظریه‌ها نیز کینه‌ورزی و دشمنی با مکتب تشیع است یا زیر سؤال بردن آیین تشیع.

ایرانیان به محض آشنایی با آرمان‌های بلند اسلام و پی بردن به حقیقت این دین آسمانی، آن را به جان و دل پذیرفتند، چنان‌که در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که موالی ایرانیان اسلام را با رغبت پذیرفتند.

شهید مطهری نیز یادآور می‌شود: حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و مسلمان شدنشان یک عامل مهم دارد. ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم گشته خویش را در اسلام یافت. مردم ایران علاوه بر هوشمندی به طور طبیعی از سابقه فرهنگ و تمدن درخشان برخوردارند و لذا بیش از همه به دین ابراز علاقه دارند.

از دلایل رشد شیعه در ایران ورود امامزادگان به ایران و دعوت همگان برای اصلاح جامعه و براندازی حکومت‌های جور و ستم اموی و عباسی بود.

از عوامل اصلی توسعه شیعه‌گری در ایران محبوبیت علویان بود، این محبوبیت میان مردم از دلایل اصلی نفوذ شیعه در مناطق مختلف کشور به شمار می‌رفت. طبیعی است وقتی مردم از پیامبر (ص) حتی شنیدند که کسی از اهل بیت او به سوی آنان می‌آید، نسبت به وی علاقه‌مند شدند.

از دیگر سوظلم و ستم گسترده‌ای که خلفای اموی و عباسی بر شیعیان به ویژه علویان روا می‌داشتند سبب می‌شد که آنان به سمت ایران هجرت کنند. چون مردم ایران به گرمی از آنان استقبال و پذیرایی می‌کردند.

در میان مهاجرت برخی از امامزادگان مشهور همانند حضرت معصومه (س) به شهر قم و اعزام شخصیت‌های مهمی همانند حضرت عبدالعظیم حسنی از سوی ائمه (ع) به عنوان نماینده به ایران و مسافرت محمد عمان امامی از کوفه به شهرهایی مثل قم و اهواز در روند شکل‌گیری قیام شیعی علیه حکومت‌های فاسد وقت نقش اساسی ایفا نمود. از دیگر سوبعد از شهادت امامزاده‌ها در ایران و ساختن قبور مطهر برای آن‌ها دیده شد که اکثر عزاداری و اعیاد و فعالیت‌های جمعی، خصوصاً عاشورا از امامزاده شروع می‌شود و یا در آن پایان می‌پذیرد. مسافران مختلف نیز از امکانات متبرکه استفاده می‌کنند و بسیاری از مریضان و حاجتمداران برای رفع مسائل خود به امامزاده نذر و نیاز می‌کنند و امامزاده را منبع فیض و رحمت الهی می‌دانند. در یک کلام امامزاده‌ها هویت خاصی به مذهب شیعه و پیروان آن بخشیده‌اند و پشتوانه اعتقادات دینی مردم ایران شدند.

منابع و مآخذ

- ابراهیم حسن، حسن (بی تا)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه عبدالحسین بینش، بی جا: انتشارات فرهنگی آرایه.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.
- ترکمنی آذر، پروین؛ صالح پرگاری (۱۳۸۰)، تاریخ تحولات ایران در دوره صفاریان و علویان، تهران: سمت.
- سعودی (۱۳۷۰)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پایین، تهران: علمی - فرهنگی.
- مفید (۱۳۶۶)، مفید الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران: اسلامیه.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، تاریخ قم، تصحیح جلال الدین تهرانی: طوس.
- ابن طباطبا (۱۳۷۲)، مهاجران آل ابیطالب، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن اسفندیار (۱۳۶۶)، تاریخ طبرستان، تهران: پدیده خاور.
- ابوالفتح، علویان (۱۳۶۸)، طبرستان، تهران.
- مرتضی عاملی، جعفر (۱۳۶۹)، زندگی سیاسی امام رضا، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- جعفرنژاد، محمد (۱۳۸۱)، آثار حضور و برکات امام رضا، بی جا: انتشارات سلسله.
- محبی پور، صغری (۱۳۸۸)، نقش امام رضا (ع) در حدیث شیعه، تهران: سازمان تبلیغات.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰)، دولت عباسیان، مترجم حجت الله جودکی، قم: پژوهشکده

حوزه و دانشگاه قم.

- آیت الله سبحانی، آیا تشیع مکتبی ایرانی است؟

- چگونه سادات وارد ایران شدند؟ (۱۳۹۱)، شجره طیب.

- کریمان، حسین (۱۳۶۱)، طبرسی و مجمع البیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[Http://www.abna.ir/print.asp?lang=1&id=224798](http://www.abna.ir/print.asp?lang=1&id=224798)

Sadatfech.persianblog.ir